

مرد جوان از دوستانش قمه های مختلف هدیه می گرفت

داستان شروری که عاشق قدرت نمایی است



خالکوبی های عجیبی دارد. چشمانش را که می بندد عبارت «شب بخیر» نمایان می شود. برای چندمین بار است که دستگیر می شود. با خونسردی کامل همراه دوست و همدستش به تمام سوالات پاسخ می دهد و به درگیری ها و دعواهایش افتخار می کند. روبه رویش انواع و اقسام قمه، چاقو و سلاح کشنده است. از قدرت نمایی سیر نمی شود. در فضای مجازی کُری می خواند، بعد هم این کُری خوانی ها به دعوا در خیابان ختم می شود. می خواهد بگوید که نفر اول محله شان است. صابر بارها به خاطر دعوا دستگیر و روانه زندان شده است. اما باز هم نمی خواهد در مقابل بچه محل هایشان کم بیاورد. گاهی هم رفاقتی می رود و دعوا می کند، گاهی هم پول می گیرد تا فردی را ادب کند.

کُری خوانی مجازی

صابر حالا در حیاط پلیس پیشگیری پایتخت دستبند به دست ایستاده است. او از سوی مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن، هنگام تخریب و قدرت نمایی دستگیر شد. این مرد ۲۹ ساله درباره زندگی پرمجاریش به خبرنگار شهروند می گوید: «من کاری با بقیه ندارم. آنها هستند که باعث می شوند سراغ شان بروم و دعوا کنم. چند وقت پیش یکی از بچه محل هایمان که از قبل او را می شناختم، در استوری اینستاگرام به من و رفیقم توهین کرد. به طور مستقیم اسم ما را نیاورده بود، ولی متنی که نوشته بود، کاملاً به ما مربوط می شد. از قبل به خاطر مسائل مالی با هم اختلاف داشتیم. وقتی استوری اش را دیدم، طاقت نیاوردم و با دوستم سراغش رفتم. اول با او تماس گرفتم و گفتم این جملات به من مربوط

می شود. خیلی صریح و واضح گفت که منظور من بوده ام، برای همین با او قرار گذاشتیم و سراغش رفتیم.»

سه زخمی در یک درگیری

دوست صابر ادامه ماجرا را تعریف می کند و می گوید: «اختلاف حساب داشتیم. مشکل مان به خاطر پول بود، ولی در این حد نبود که او بخواهد به ما توهین کند، آن هم در فضای مجازی؛ من و صابر این طور توهین ها را نمی توانیم تحمل کنیم. وقتی با او تماس گرفتیم و تأیید کرد که منظورش به ما بوده، دیگر تاب نیاوردیم. با قمه به سراغش رفتیم. البته خودش هم کُری می خواند و با ما قرار گذاشت. آنها ۶ نفر بودند، ما دو نفر. با این حال، کتک شان زدیم. سه نفر آنها زخمی

شدند و حالا هم در بیمارستان بستری هستند.»

عاشق قدرت نمایی هستم

همه دوست دارند عطر و کتاب هدیه بگیرند، ولی صابر عاشق قمه است. کلکسیون از قمه های مختلف دارد که همه را از دوستانش هدیه گرفته است. قمه هایی که در رنگ های مختلف به صورت دستی ساخته شده است: «مثلاً فردی کتابخوان است، برای همین دوست دارد که به عنوان هدیه برای او کتب بخرند، اما من عاشق قمه هستم و طرح ها و رنگ های مختلفش را دارم، برای همین دوستان و اطرافیانم هم همیشه به من قمه هدیه می دهند. البته همه آنها را برای دعوا استفاده نمی کنم.



اگر پیش بیاید دعوا می کنم. مثلاً گاهی اوقات رفاقتی به دعوا می روم، یعنی به خاطر دوستم می روم و دعوا می کنم. گاهی اوقات هم به من پول می دهند و می گویند برو و فلانی را ادب کن. چون چندین بار دعوا کرده ام، کاملاً حرفه ای هستم. مثلاً می دانم که با قمه یا چاقو به کجا ضربه بزنم که فوت نشود یا آسیب بسیار جدی نیند. در حدی زخمی می کنم که او را بترسانم یا ادب کنم. از نوجوانی دوست داشتم همه از من حساب ببرند. قدرت نمایی را دوست داشتم. خودم در نمایشگاه ماشین کار می کنم. زن و بچه هم دارم، ولی اصلاً در خانه قدرت نمایی نمی کنم. عاشق زن و بچه ام هستم و به آنها احترام می گذارم، ولی در بیرون از خانه دوست دارم همه از من حساب ببرند.»

شیخ پایتخت در تله پلیس گرفتار شد

ماجرای سرقت های سریالی
با ماسک اسکلت و اسلحه اسباب بازی

ماسک اسکلت، اسلحه پلاستیکی و تاریکی شب. همین کافی بود تا طعمه های سیامک وحشت کنند و داروندارشان را به او بدهند. هیچ کس نمی دانست که اسلحه سیامک برای خواهرزاده کوچکش است. هیچ کس نمی دانست که در آن تاریکی شب، پشت نقاب ترسناک یک مرد معتاد است که برای هزینه مواد دست به این زورگیری های عجیب می زند. سیامک وقتی معتاد شد، سرقت هایش را شروع کرد. او بعد از چند بار دستگیری و آزادی این بار تصمیم گرفت با صحنه ترسناکی در مقابل طعمه هایش ظاهر شود. نیمه های شب با ماسکش در مقابل مردم تنها ظاهر می شد و دست به سرقت می زد. پول، طلا، ساعت و هر چیز گران قیمتی که داشتند با خود می برد. سیامک که حالا برای بار چهارم است که دستگیر می شود، ماجرای سرقت هایش را این طور روایت می کند:

چی شد که تصمیم گرفتی سرقت کنی؟

من اصلاً اهل خلاف نبودم. در بین رفیق های ناباب مواد مصرف کردم. بعد از آن به مصرف شیشه و گل اعتیاد پیدا کردم. بعد از اعتیادم بود که زندگی ام نابود شد. برای خرج مواد مجبور شدم سرقت کنم.

شگرد سرقت هایت چه بود؟

در تاریکی شب در خیابان ها و کوچه های خلوت پرسه می زدم و وقتی کسی تنها بود، سراغش می رفتم. او را می ترساندم و با تهدید اسلحه هر چه پول و طلا داشت از او می گرفتم.

اسلحه را از کجا آوردی؟

اسباب بازی بود. از خواهرزاده ام گرفتم. یک روز که خانه خواهرم بودم و خواهرزاده ام با اسلحه اش بازی می کرد، این فکر به ذهنم رسید. اسلحه اش خیلی واقعی به نظر می رسید، برای همین تصمیم گرفتم با همان سراغ مردم بروم.

چرا ماسک می زدی؟

از دوران نوجوانی فیلم های ترسناک زیادی دیدم. در کل عاشق فیلم های هالیوودی و بسیار ترسناک بودم. تقریباً هر شب از این فیلم ها می دیدم، تا اینکه تصمیم به سرقت گرفتم. وقتی اسلحه خواهرزاده ام را برداشتم، برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر ماسک هم زدم. یک ماسک اسکلت تهیه کردم تا همه چیز ترسناک به نظر بیاید. در تاریکی شب وقتی جلوی مردم ظاهر می شدم، وحشت می کردند، برای همین هر چه داشتند به من می دادند و فرار می کردند.

فقط اسلحه پلاستیکی داشتی؟

بله. من نمی خواستم به کسی آسیبی برسانم، قصدم فقط ترساندن مردم بود، برای همین هیچ وقت وسیله ای که باعث آسیب شود، همراه نمی بردم.

از چند نفر با این شیوه سرقت کردی؟

تا الان هشت شاکی در پرونده ام دارم، ولی دقیقاً یادم نمی آید که چطور سرقت کردم.

بازداشت ۶۶۰ سارق و اوباش در طرح

پلیس پایتخت

مأموران پلیس پایتخت در دومین مرحله از طرح صاعقه، ۶۶۲ سارق، زورگیر، اوباش و حمل کننده سلاح را دستگیر کردند.

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران بزرگ در حاشیه دومین مرحله از طرح «صاعقه» در ستاد پلیس پیشگیری تهران بزرگ درباره اجرای طرح مذکور گفت: «استفاده مجرمان از سلاح سرد از جمله موضوعاتی بود که نگرانی شهروندان را در پی داشت. ما در صدها شاهد بودیم مجرمان در حوزه سرقت، اوباشگری و مواد مخدر از سلاح سرد مانند چاقو، قداره، گرز و شبه سلاح استفاده می کنند، بنابراین تصمیم گرفتیم براساس قانون برخورد با حاملان و استفاده کنندگان از سلاح سرد، دومین مرحله از طرح صاعقه را به اجرا درآوریم.»

رئیس پلیس تهران بزرگ با بیان اینکه این طرح با محوریت پلیس پیشگیری قاتب به اجرا درآمد، گفت: «در دومین مرحله از طرح صاعقه با حاملان سلاح سرد، شبه سلاح و تولیدکنندگان این گونه سلاح ها برخورد کردیم. در این طرح ۳۶۸ سارق و زورگیر که اغلب در زمان سرقت از سلاح سرد استفاده می کردند، ۱۴۵ نفر از اوباش استفاده کننده از سلاح سرد یا سلاح جنگی و ۱۴۹ نفر از حاملان یا تهیه کنندگان سلاح سرد بازداشت شدند، همچنین در طرح مذکور ۱۰ قبضه سلاح جنگی نیز کشف شد.»

به گفته این مقام انتظامی، در دومین مرحله از طرح صاعقه ۲۴ واحد صنفی که اقدام به تهیه، توزیع و فروش سلاح سرد می کردند، پلمپ شدند و هزاران سلاح سرد و فشنگ نیز کشف شد. رحیمی درباره خاموشی معابر تهران و احتمال افزایش وقوع جرم نیز گفت: «ما به شدت با این موضوع مخالفیم و رسماً کتاب مخالفت خود را در همان روزهای نخست به مراجع ذی صلاح و شورای تأمین اعلام کردیم، زیرا امنیت مردم برای ما بسیار مهم است.»

از برخورد با پورشه سوار تا لیستی از ۶۵ تصادف ساختگی

سه برادر برای تهیه داروهای پدرشان تصمیم به کلاهبرداری از رانندگان خودروهای لوکس گرفتند

لیستی از تصادف هایشان تهیه کرده بودند. لیستی عجیب از تصادف های ساختگی؛ سه برادری که برای هزینه درمان پدرشان تصمیم گرفتند راننده خودروهای لوکس را تکه کنند. اما یک اشتباه آنها را به دام مأموران پلیس انداخت. وقتی آنها در اجرای یکی از نقشه هایشان سراغ سوژه تکراری رفتند، دست شان رو شد. راننده پورشه وقتی برای دومین بار با این سه برادر تصادف کرد، متوجه شد که در دام یک باند گرفتار شده است. او پلیس را در جریان ماجرا گذاشت و در نهایت راز تبهکاری های این باند فاش شد. وقتی این سه برادر کلاهبرداری دستگیر شدند، از خودرویشان لیست ۶۵ تصادف ساختگی کشف شد. یکی از این سه مجرم حرفه ای صبح دیروز در گفت و گو با خبرنگار شهروند ماجرای تصادف های ساختگی را روایت کرد:

چی شد که تصمیم به کلاهبرداری گرفتید؟

پدرمان بیمار است، ناراحتی قلبی دارد. ماهی دومیلیون تومان هزینه داروهایش می شود. ما سه برادر نمی توانیم از پس هزینه های درمان پدرم برپاییم، برای همین تصمیم گرفتیم این کار را انجام دهیم.

فکر کلاهبرداری با این شگرد از کجا به ذهن تان رسید؟

خودمان یک بار تصادف کردیم. من پیک موتوری بودم، فردی به من زد، اما من مقصر شناخته و مجبور شدم خسارت زیادی بپردازم. آن زمان مشکلات مالی زیادی داشتیم و به دنبال پول هنگفت می گشتیم. همین تصادف باعث شد این ایده به ذهن مان برسد و تصمیم گرفتیم تصادف ساختگی راه بیندازیم، به گونه ای که طرف مقابل مقصر شود و همانجا خسارت می گرفتیم.

از چه زمانی با این شگرد کلاهبرداری کردید؟

حدوداً سه ماه پیش بود که شروع کردیم.

اولین بار است که دستگیری می شوید؟

بله. ما خلافکار نبودیم. اولین بار بود که مرتکب جرم شدیم، آن هم به خاطر پدرم. مجبور بودیم که پول جور کنیم.

روزی چقدر پول گیرتان می آمد؟

مشخص نبود، بستگی به شدت تصادف داشت، معمولاً از ۱۰۰ هزار تا یک میلیون تومان پول می گرفتیم.

ماشین خودتان چه بود؟

پژو پارس.

در چه مناطقی این کار را انجام می دادید؟

فقط منطقه یک، چون آنجا خودروهای لوکس زیادی وجود داشت. آنهایی که پولدار بودند و پرداخت خسارت در محل برایشان کاری نداشت.

نقشه هایتان را چطور اجرا می کردید؟

معمولاً سرپیچ ها می ایستادیم و وقتی راننده خودرو می خواست وارد خیابان شود، ناگهان سد راهش می شدیم. آنها با ما تصادف می کردند و بیشترشان قبول می کردند که مقصرند. ما هم می گفتیم خسارت را همین جا پرداخت کن و برو. او هم پولی پرداخت می کرد و قضیه تمام می شد.

چطور شد که دستگیر شدید؟

بدشانسی آوردیم. یک بار با یک خودرو پورشه تصادف کردیم. راننده وقتی پیاده شد، ما را شناخت. گویا قبلاً هم با او در همان محل تصادف کرده و خسارت گرفته بودیم، برای همین او هم به ما شک کرد، موضوع را به پلیس گزارش داد و ما هم دستگیر شدیم.

چرا از تصادفات خود لیست تهیه کرده بودید؟

برای تقسیم سهم هایمان هر تصادف را می نوشتیم، مبلغ آن را هم مقابلش یادداشت می کردیم. وقتی پول ها زیاد می شد، آن را بین خودمان تقسیم می کردیم.

